

# کمونیست



## تظاهرات دانشگاهها

تظاهرات پراکنده دانشجویان دانشگاههای ایران در ماههای دی و بهمن و اسفند گذشته نمودار وجود التهاب انقلابی عظیمی در جامعه ما است. دهه ضدانقلاب حکومت پهلوی و امپریالیسم آمریکا به فراخوانی برای انقلاب علیه این حکومت و اربابانش بدل گشته و شعارهای مرگ بر انقلاب سفید درویشی و سرک بزرگ شاه و مرگ بر امپریالیسم آمریکا بار دیگر در سینه دیرینه و آشتی ناپذیری خلق ما را با خاندان ننگین پهلوی و حامیان داخلی و خارجیتره با سیستم ارتجاعی حاکم و با تمام مظاهر نکت و فساد و توحش قرون وسطایی آن که جز فقر و سیه روزی برای خلق و جز آرزوهای و دزدی و جز جنایت و خیانت حاصل نداد و آشکارا اعلام داشت. در اواخر دیماه و دانشجویان دانشگاه تهران بعنوان اعتراض علیه برگزاری باصطلاح دهه "انقلاب" سفید علیه نیروی پلیسی رژیم و سیه پشتیبانی و حمایت از زندانیان سیاسی و تحت شکنجه ایران و نقاب نیت خواهیهای انقلابی گروههای سلع دست بافصاحب و تظاهرات بردند و در اینراه و قهرمانانه در برابر هجوم وحشیانه کاندوهای پلیسی مقاومت برخاستند. بدنیال آن در ماههای بهمن و اسفند دانشجویان دانشگاههای تهران و ملی تکلیک با برگزاری تظاهرات وسیعی به افشای سیاست ملیت پرستی و خائضانه شاه که بویژه برای مقابله با جنبش انقلابی خلقی در پیش گرفته شده و پیرا خته و علیه خرید کلان اسلحه از آمریکا و انگلیس و علیه نفوذ روزافزون امپریالیستهای آمریکایی و جاسوسان صهیونیست با اعتراض برخاستند. جنبش دانشجویان علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا جنبه سراسری یافت و در گبه دانشگاههای ایران و در تهران و اصفهان و مشهد و اهواز و تبریز و تظاهرات و زد و خورد های وسیع و پراکنده با پلیس و مأمورین نظامی و ژاندارمری بوقوع پیوست. تبریز همچنانکه همیشه عالیترین نقطه غلیان و خروش مبارزات مردم است و بزرگترین تظاهرات و زد و خورد های خیابانی را که به هلاکت و یا نیمه جان شدن ده ها ها پلیس و مأمورین جیره خوار شاه منجر گشت بخود ندید. مبارزه بزرگ دانشجویان و دانشجوییهای پلیس علیه آنان و حمایت مردم شهرها را از دانشجویان بویژه در تبریز که مبارزهها و بازار تعطیل شد جلب نمود. در این مبارزات و بسیاری از محصلین دبیرستانها ایران نیز شرکت کردند.

برخورد دارنده شده قاره کسان پهلوی مبارزه حق طلبانه دانشجویان و محصلین ایران و اکثر قریبانه دست نظراته بوده است که حتی فاشیستیترین حکومتهای دنیا نیز چنین نکند کاپتان کردند. کوفی زمان جنگ و لشکرکشی است که پشت در پشت قوای پلیس و ارتش را بدانشگاههای ایران و خیابانهای اطراف آنها فرستاده و آنها را اشغال و محاصره میگردد و وحشیانه به دانشجویان حمله ور شده و بپروزی آنان آتش کشوده و بسیاری را کشته یا شدیداً ناقص و زخمی میکند. در جریان مبارزات اخیر دهها تن از دانشجویان دختر و پسر شهیدات میروند و رقم زخمیسان و دستگیر شدگان از هزار متجاوز است. فقط در تبریز و کویسا تا ۳۰ نفر کشته و قریب ۷۰۰ نفر زندانی میگردد.

طغیان دانشگاهها و جنبش سیاسی دانشجویان و محصلین ایران بار دیگر دانشجویان و محصلین را بنیانه اولین بخشی از خلق که مبارزه آگاهانه سیاسی برمیگزیند در مقام پیشگامی مبارزه مردم برای دموکراسی و رهائی ملی گذارد. آمادگی دانشجویان ایران برای جانباختن قهرمانانه در راه استقلال میهن و کسب دموکراسی و در عین حال نشان درجه خاندان نقاد و خصومت خلق ما با رژیم سفاک پهلوی و با امپریالیسم است. بیشکام دانشجویان در طول مبارزات گذشته و حال همیشه از آنجا برمیخاسته که آنان بنیانه حسانترین قشر جامعه ما زودتر از سایر طبقات و اقشار خلق پر

بقیه در صفحه ۲

## یکم ماه مه و طبقه کارگر ایران

و کمونیسم در جهان و تأمین و پاسداری حاکمیت خود در چین و آلبانی و شمال ویتنام و غیره و شهیدات میدهد که هیچ نیروی در جهان - چه رنجبرهای تنی مغز امپریالیستهای آمریکایی چه پیر - کفتاران سرمایه داری انگلیسی و چه توصیه و شفاعت خائضین کرملین نشین و چه نفاق و برقی پاکون سلاطین پازمانده - قادر نیست از این حرکت دگرگون ساز طبقه کارگر جلو گیرد.

طبقه کارگر ایران و بنیانه یکی از کردنیهای ارتش کارگری جهان و عهد و دار یکی از بزرگترین نیروهای درون ساز ما است - گردانیت که رسالت رهبری انقلابی را بعهده دارد که با توفیق آن یکی از مهم ترین پایگاههای امپریالیسم و ارتجاع بین المللی در هم بقیه در صفحه ۲

یکم ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان روزی است که کارگران کشورهای مختلف با یادکرد سنتهای پرافتخار خود در مبارزه برای برچیدن نظام پوسیده سرمایه داری از کره ارض و برپا داشتن جامعه کمونیستی بر خرابه های آن و تجدید بیمان میکند.

رسالت تاریخی طبقه کارگر است که حکومت دیکتاتوری طبقات استثمارگر را ببقور و زیر در هم کوبد و فرمانروائی خود را بر تمام استثمارگران و استثمار جامعه و که اقلیت کوچکی پیش نیستند و تحمیل نماید. حکومت طبقه کارگر مظهر حاکمیت و خود مختاری همه رنجبره جامعه و یگانه شاهراه آزادی تمام بشریت ستمدیده و گواه پیروزی کار بر سرمایه و رنج و زحمت بر ستم و بهره کشی و رهائی بر اسارت و پایان کار غاصبین ملک و کارخانه امپریالیستها و شاهان و زرخیزان آنها است. بیش از ۱۰۰ سال نبرد مرگ و زندگی طبقه کارگر جهانی برای تسخیر قدرت حاکمه و پیروزی گردانیدن امر سوسیالیسم

## سفر هویدا با افغانستان

در اسفند ماه سال اخیر هویدا به افغانستان سفر کرد. ظاهراً این سفر بخاطر خاتمه دادن به اختلافات قدیمی دو کشور ایران و افغانستان راجع به تقسیم آب رودخانه هیرمند صورت گرفته است. ماجرای تقسیم آب هیرمند که از افغانستان آمده و بسمت سیستم ایران جاری میشود و اختلافات مربوط به آن و از میراثهای همچنان باقی مانده استعمار انگلیس و روسیه نزاری در قرن گذشته و رقابتهای بین آن دو کشور است. بعلاوه و این موضوع که اهمیت حیاتی برای خلقهای دو کشور داشته است. همراه با اختلافات مرزی آندوران همیشه وسیله ای برای پیشبرد سیاست "اختلافات بیانداز و حکومت کن" استعمار بوده است. امپریالیستها بنا بر بقیه در صفحه ۳

## مانور خائضانه شاه

مانورهای ریاکارانه شاه و هیئت حاکمه ایران راجع به نفت ایران فقط ممکن است معدودی فراموشکار و ساده لوح را در کشور ما فریب دهد و کزنده مردم ایران که دست شاه و رژیم او را بارها خوانده اند باینگونه مانورها دچار گمگی نخواهند گشت. بدنیال جمله سازهای اخیر محمد رضا شاه در مجلس فرمایشی و در زمان دهمین سالگرد باصطلاح انقلاب سفید یعنی بر "خلق بد" از گسر - سیوم توسط ایشان و واگذاری عملیات اکتشاف و تولید و فروش نفت به شرکت باصطلاح ملی نفت ایران در اد و قال تبلیغاتی وسیعی از جانب طبقات زرخیز و بلندگروهای تبلیغاتی رژیم آغاز گشت. یکبار دیگر و جار و جنجال راجع به "پیروزیهای" مکرر ایران بر انحصارات نفتی و رهبری خرد مندانه "خائن خرفی چون محمد رضا شاه و پناج خود رسید. "عجب" آنکه بلندگویان تبلیغاتی دول امپریالیستی تبلیغ در نفت ایران و خلیج فارس (مانند رادیو بی بی سی) نیز در این باره از "درایت و تدبیر" شاه ایران ستا - یضا کردند. تا حال ندیده و نشنیده بودیم که در طرف باهم وارز و نعراتی شوند ولی دست بر سر موضوع دعوا اشل هندیکسر را ستایند و پیروزی یک طرف دعوا را هر دو جشن بگیرند! "پیر - روزی" حالیه ایران بر گسر سیوم نیز از قبیل همین نوع ندیده ها و نشنیده هاست. بنا بر خبر سیومات جهان شاه در جریان مذ - بقیه در صفحه ۲

## توسطه علیه انقلاب فلسطین

در ۱۰ آوریل ۱۹۷۳، دولت صهیونیستی اسرائیل بکسک نیروی هوایی خود شبانه چند تن از مأمورین خود را برای اجرای عملیات تروریستی علیه مردم و فدائیان انقلابی فلسطینی در خاک لبنان بنیاده نمود. تروریست های اسرائیلی پس از اجرای نقشه شوم خود و کشتن ستم از رهبران جنبش فلسطین و برخی دیگر از روشنفکران فلسطینی و بدون آنکه با مقاومت پلیس لبنان مواجه شوند از مقابل آنان گریختند و با همان سهولت ورود خود به اسرائیل بازگشتند. در روزهای پس از واقعه ۱۰ آوریل ده ها هزار نفر از مردم لبنان چه در تشییع جنازه رهبران فلسطینی و چه در تظاهرات خود پشتیبانی خود را از جنبش رها میبخش مردم فلسطین و تنفرشان را نسبت به عملیات پیشروانه اسرائیل و سازشکاری دولت لبنان اسلام داشتند. تظاهرات نظیر در پایتخت دیگر کشورهای عربی نیز با شرکت توده های وسیع مردم در پشتیبانی از جنبش فلسطین برگزار شد.

در ۲۸ آوریل مجاهدین فلسطینی با مقاومت قهرمانانه خود و تهاجم اسرائیل را به منطقه الرشیدیه در هم شکستند و از تجاوز نیروهای نظامی صهیونیستها که قصد ورود به منطقه الرشیدیه را داشتند جلو گیری کرده آنانرا به عقب راندند. هم صهیونیستها و هم مقامات دولت لبنان در مورد این واقعه که شکست مفتضحی برای اسرائیل بود و شکست اختیاری کردند.

در ۲۰ ارتش لبنان تحت عنوان حفاظت از حاکمیت ملی بقیه در صفحه ۳

## تسلیح پلیس منطقه

اقدام اخیر محمد رضا شاه یعنی بر خرید ۳-۲ میلیارد دلار اسلحه از ایالات متحده که با سفارش مستقیم پنتاگون (سنتاد جنگ افروزی آمریکا) صورت گرفته است و جزئی از برنامه وسیع امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی در تجمیم و تسلیح ارتش ارتجاعی ایران و نیروی دریایی و هوایی آن در خلیج فارس و دریای عمان برای حفظ و ادامه سلطه استعماری در این منطقه استراتژیک و نفت خیز و مقابله با جنبشهای آزادی بخش خلقهای این سامان است. رادبولندن در ۱۴ خرداد ماه سال قبل در بررسی خرید ناروهای جنگی انگلیسی توسط شاه افزایش کرده بود که "بنظر مقامات دولت ایران نقش نیروی دریایی آنان نه تنها حفظ صلح و ثبات منطقه خلیج فارس است یعنی همان نقشی که بریتانیا سابقاً بعهده داد - شد بلکه هدف دیگر آنست که راههای دریایی را همواره برای بقیه در صفحه ۲

جنبش نوین کمونیستی را با مبارزات کارگران و دهقانان ایران پیوند میدهد

تظاهرات ...

میخاستاند و این زودتر برخاستن همیشه بدان معنی بوده است که تودمهای مردم در درک به درجه منطقی از نارضایتی و بی‌تسایبی نسبت به سیستم تحمیلی موجود رسیده‌اند. مبارزات سیاسی سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۴۲ با برخاستن دانشجویان و محصلین آغاز گشت و مبارزات پیشگامانه دانشجویان در سال ۴۸ و ۴۹ در عین حال دوره رشدی برای جنبشهای خودبخودی کارگری و طغیانهای دهقانی بود. اینست که میگوئیم گذشته از شدت یافتن ناسامان‌های اقتصادی و تحمل‌ناپذیر شدن سیاست‌تشدت و اختناق رژیم قیام سیاسی دانشجویان و روشنفکران خود نمودار وجود التماس انقلابی عظیمی در میان مردم ما است - التماسی که هرچه بیشتر آگاهی انقلابی و سازمان میطلبد - برخاستن جنبش سیاسی دانشجویان از نقطه نظر نقش پراهمیتی که در این راه می‌تواند ایفا کند و گذشته از آن نقش بزرگی که همیشه در فضای خیانتهای رژیم فغلی و اعمال جنایتکارانه دستگاه محمدرضا شاه در ایران بازی کرد - و خلقی را به مبارزه قطعی طلبید - و گذشته از آنکه دانشجویان خود بخودی یکی از جنبه‌های مبارزه خلق را علیه ارتجاع و امپریالیسم تشکیل میدهند و میتوانند و میبایند مورد نظر قرار گیرند.

درباره ارتجاع حاکم همیشه گفته‌اند است و اینبار نیز که شد که جنبش دانشجویان را در دم سرکوب کند و از هراس آنکه بناد این حرکت پرخروش سیاسی بیان تودمهای کارگری و زحمتکش شهری رسوخ یابد با تمام قوا و انگار که جنگی درگیر است به مقابله با آن برود خیزد - ولی سرکوب هرچه وحشیانه تر باشد فقط هم بستگی و عزم دانشجویان را برای مبارزه با رژیم پرنده اند تر و شدیدتر علیه عاملین سرکوب قویتر ساخته و نیز توجه آنانرا بیشتر از پیش به لزوم کشاندن مبارزه بنیان تودمهای مردم معطوف خواهد داشت. آنان را اینبار نه فقط در سطح تعداد کمی اعتراض پیشرو بلکه در سطح تودمهای وسیعتری عملا بی‌خواهند بود که در صورت پیوند دادن جنبه مبارزاتی خود با مبارزات تودمهای زحمتکش که جنبه اصلی و عزم دانشجویان را در برده است - به نیروی شکست‌ناپذیر بدل شده و قوای مترجمین را در برده خواهند کرد. جنبش دانشجویان ایران بخوبی بیاد دارد که یکی از کم‌های مبارزات اوایل سالهای ۱۳۴۰ این بوده که مبارزه سیاسی دانشجویان از مبارزات خودبخودی تودمهای کارگری و زحمتکش و بخصوص در جریان ۱۵ خرداد ۳۴ جدا ماند و برای مثال در جریان مبارزه اخیرالذکر فقط تعداد کمی از دانشجویان و روشنفکران انقلابی درگیر شدند. پیوند این تودمها و مردم آمیختن هرچه بیشتر آید - با هم هم جنبش دانشجویی و جنبش زحمتکش را که بی‌اندازه نیازمند تبلیغات سیاسی و تشکیک است، قوی میکند.

بدون شک انقلاب بین ایران در پیشاپیش جنبش دانشجویان و جوانان دلور میهن ما برای ترویج و تبلیغ و تشکیک سیاسی طبقه کارگر و زحمتکش شهر و روستا بیان آنان رفته و در عین حال همجواری جنبش دانشجویان و جوانان ایران را نیز در خدمت این امر بزرگ قرار خواهند داد. بهترین پاسخ به قداومگی‌های باند محمدرضا شاه که جنبش بزرگ دانشجویان را به پیشروانه ترین و وحشیانه ترین وجهی می‌کشد و اعتراضات حق طلبانه آنان را با گلوله و زندان جواب میدهد و کسیدن مبارزه بنیان کارگران و تودمهای عظیم زحمتکش و برانگیختن آنان با اعتصاب و تظاهرات و مبارزه علیه سیستم پلیسی حاکم و امپریالیسم است. اگر هزاران هزار دانشجو و محصل ایرانی را با بیدار ملی و روحیه پرخروش و رزمجویانه‌ای که در مبارزات اخیر نشان دادند و با تودمهای کارگری و رنجبران و بهر تعدادی که میخواهد باشد تماس گرفته و آنانرا از لحاظ سیاسی آگاه کند و به تشکیک و مبارزه برانگیزند در میان آنان اعلامیه‌های تشکیک و انقلابی پیشی کند و آنان را در حین اعتصاباتشان از لحاظ مادی و معنوی یاری رسانند و بدفاع دسته جمعی از آنان برخیزند و آنگاه بزودی خواهد رسید روزی که قوای ترافان برده‌های محمدرضا شاهی با جهز شدن بدن ترین سلاحهای آمریکائی و بیکه مدیریت کارشناسان امپریالیست و صهیونیست هم قادر نخواهد بود در برابر سبیل هموال و بنیان کن رنجبران و دانشجویان و محصلین لحظه‌ای مقاومت کند.

زنده باد جنبش رزمندگان دانشجویان و محصلین ایران!  
 مستحکم باد اتحاد انقلابی دانشجویان و محصلین با  
 زحمتکش ایران!

یک مانور ...

اگر ات اخیر دولت ایران با نمایندگان کسرسیم و راه را برای حل مسئله نفت پیشنهاد کرده بود تکیه داده عملیات کسرسیم نفت بر اساس همان مفاد قرارداد ۱۹۵۴ منتها همراه با افزایش تولید تا ۸ میلیون بشکه در روز و پرداخت بیهائی معادل آنچه که بسایر کشورهای نفت خیز خلیج پرداخت میشود و دیگری واگذاری کلیه

عملیات مربوط به اکتشاف و استخراج و فروش نفت بدولت ایران یا باصلاح خلق بد از کسرسیم. ظاهرا پیشنهاد دوم بیشتر باید با مخالفت کسرسیم روبرو میگردد. زیرا در آن صحبت از غنای خلق اصل ملی شدن صنعت نفت میشود. ولی دست برضا و از عجایب روزگار (!) کسرسیم نفت درست این پیشنهاد دوم را با روح نفخ طلب خود سازگار دید. حقیقت امر چه بود؟ حقیقت امر این بود که در زیر لوای پیشنهاد ظاهر فریب نوریالذکر قرارداد تحمیلی سال ۱۹۵۴ با شرکتهای انحصاری نفت که برای ۲۵ سال نفت ایران را در اختیار کسرسیم قرار داده بود تا سال ۱۹۷۹ ملغی میگشت و با مقداری تغییر منطبق با اوضاع و احوال روز برای مدت ۱۵ سال تعدید میگردد. بدینسان هم قیمت انحصاری کسرسیم نفت در تسلط و بهربرداری از مناسبت نفت ایران بجای ۶ سال باقیمانده تا ۲۱ سال تضمین میگشت. کسرسیم ظاهرا مالکیت و کنترل دولت ایران را بر منابع نفتی برسد نسبت نیشاند و سرمایه‌دانهائی که تا کنون بحساب دولت ایران میکرد اکنون هم بحساب هم بنام دولت ایران میکند و ولی عملا همچنان موقعیت انحصاری خود را در صدور و فروش نفت ایران در بازار جهانی و تسلط بر منابع نفت ما حفظ میکند - و آنهم با یازده سال تعدید رسمی. مفاد قرارداد درحال توکین اخیر هنوز کاملا افشا نشده است و همچنان که رسم مخفی کاری اجباری مترجمین در برابر مردم است و بهر تشکیک کارکنان برای سرویس گذاردن در اصل قرارداد دست یازیده خواهد شد. جنجال تبلیغاتی رژیم شاه نیز در حقیقت بخشی از این تشکیک را تشکیل میدهد. ولی تضمین حیات کسرسیم نفت برای ۲۱ سال دیگر بخوبی افشاگر اصل موضوع است. این مانور خائنه یکبار در زمان رضاخان بکار بسته شد و زیر پرده تبلیغات راجع به خلق بد از شرکت نفت ایران و انگلیس اصل قرارداد داری برای ۲۵ سال دیگر تعدید گشت و اینک بار دیگر همان مانور بدست پسر رضاخان و بهمان مقصود یعنی تعدید اصل قرارداد ۱۹۵۴ با کسرسیم برای ۱۵ سال دیگر بکار برده میشود. محمدرضا شاه جدا در هر زمینه‌ای وحشی در ادا و اطوارهای دلخنا بهانه‌نیز فرزند خلف پدرش است و مانند او رفتار میکند. در آن زمان هم یکی از سائل افزایش تولید نفت (در حقیقت افزایش غارت نفت ما توسط انحصارات نفتی) و مور ازته بهای نفت با توجه به بحران مالی جهان بود. در این زمان نیز درست همان سائل موجب معاملات خیانت آلود دیگری باانحصارات نفتی شده است. در حالیکه کشورهای مانند ونزوئلا خواهان محدود کردن دامنه استخراج و صدور نفت کشور خود هستند و در ایران با ولع خاصی اصرار بر افزایش بی بند و بار تولید نفت ایران را دارد. اساسا از این طریق که جز بر باد دادن هرچه بیشتر ضایع ملی ما نتیجه ندارد و خواهان موازنه درآمد بحران زده خود از نفت میباشند. این افشاگر ضمون وطن فروشانه یکی دیگر از تقاضاهای اساسی دولت ایران است و که نه تنها به غارت بیشتر و سریعتر نفت ایران توسط امپریالیسم ما من میزند و در حقیقت برای افزایش درآمد نفت شیور را از سرگشاده میزند بگذریم از اینکه این باصلاح اضافه درآمد منجمی برای پیشبرد سیاست نظامی‌گری و ژاندری شاه در ایران و خلیج فارس است و بلکه با این شیوه عمل در تلاشهای برخی اعضاء سازمان اوک که خواهان اضافه درآمد همراه با محدود کردن تولید نفت هستند و عملا بنفع شرکتهای نفتی کارشکنی میکند.

ملی شدن واقعی صنعت نفت ایران و خلق بد از غارتگران امپریالیست توسط حکومت ضد ملی شاه جز فریبکاری چیز دیگری نیست. سوء استفاده مترجمینی چون شاه از این شعار بحق خلق ما فقط برای برده پوشی خیانتهای تازه دیگریست و همچنان که در گذشته بوده و در حال حاضر نیز دیده میشود. ملی شدن صنایع نفت ایران سرانجام بدست خلق ما و با برچیدن بساط حاکمیت دربار و مترجمین دست‌نشانده غنلی خواهد گشت و روزی فراخواهد رسید که مردم ما با اختیار تام از صنایع طبیعی خویش بنفع رفاه اقتصادی و اجتماعی خود استفاده خواهد برد.

تسلیح ...

محولات حیاتی نفتی آن که بکشورهای صنعتی جهان صادر میشود بازنگردد ... انجام "نفتی که بریتانیا سابقا بعهده داد - شد" یعنی همان نفتی پلیس منقله و تحکیم دولتهای ارتجاعی پاسداری صنایع استعمار و سرکوب هرگونه جنبش آزاد بخواستی و استقلال طلبی خلقهای ایران و عرب. به پیروی از این سیاست ارتجاعی است که میلیاردها دلار از درآمد ملی مردم و قرضه‌های گرتکن امپریالیستی برای خرید سلاحهای تجاوزگری به جیب‌سب اسلحه سازان آمریکائی و انگلیسی میبرد و بخیل جاسوسان و کارشناسان سیاسی و نظامی آمریکائی که بزودی ۳۰۰ نفر دیگر نیز ( بنا بر توصیه پنتاگون و وزارت دفاع آمریکا) بآنها اضافه خواهند

یک ماه مه ...

فرو ریخته و بیابگاه مهبی برای انقلاب بدل میگردد. و در نتیجه کارگران ایران همراه با سایر طبقات و اقشار ستمدیده میهن ما با وظیفه سنگین و پرستوایی روبرو هستند و آن برانده اختن مردم تجزین و دخیمنی عینی و وطن فروشنین نوع حکومتها و نقطه انکسار ارتجاع منطقه‌ای یعنی بحکومت سفاک و ساد سلطین پهلویست. در زمان حاضر کارگران ایران در بدترین و نکتب تاریکترین شرایط زندگی بسر میبرند. دربار امپریالیستی حریصانه سرمایه داران و سرداران دولت و دربار و راهزنان امپریالیست هستند و از هر نوع حق اجتماعی محرومند. سرمایه‌داران آمریکائی و انگلیسی و آلمانی و غیره با پرداخت کترین دستمزدها به کارگران ایرانی و تحمیل شدیدترین شیوهای استثمار در کارخانهها و مزارع تحت تسلط خود آنان بدین برودن حاصل زحمت طبقه کارگر میند. فاشیسم سلطنت مآبانه پهلوی در شهرها بمعنای واقعی کلمه بیشتر از هر طبقه و قشری بر دوش کارگران سنگینی میکند. کارخانهها و اقسا اردوهای اجباری کارگران با تحمیلهای سازمان امنیت و تشکیک سیاسی است و تشکیک مأمورین و جاسوسان رژیم تحولات کارگری و نقاط گردهم آیی آنان را شدیداً تحت بازرسی قرار داده‌اند. هیچ اختصاصی نیست که بخون کشیده نشود و با موجب روان شدن دماغه نفر بسا - هجاهای رژیم و اخراج کارگران از کارخانهها نگردد.

با این حال طبقه کارگر ایران در سالهای اخیر همچنان به مبارزه و اعتراضات حق طلبانه برخاسته است و هیچگاه و تمام زحمت بقیه در صفحه ۳

شد و وارد ایران میشوند. محمدرضا شاه با اقدام اخیر خود برای خرید کلان سلا - حهای آمریکائی که بنا باظهار خود خطیبات آمریکائی نیز "غیرقابل دی" بوده است و نه تنها شتابان برای نجات و حرانت سطره استثمار در منطقه که اکنون زیر ضربات خرد کننده خلقهای عسمان و خلیج است تلاش میکند. بلکه همچنین بیک فاضلان صنایع اسلحه سازی آمریکا شتافت که در اثر آتش بس بیستام در معرض خطر کسادی قرار گرفته بودند. شاه هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی بیک امپریالیستها و بیوفه امپریالیسم آمریکا که در بحران اقتصادی و سیاسی عمیق فرو میروند و در هرگز متوجه از جهان بحاضره خلقها کشیده میشود و شتافته است. نیکسون رئیس جمهور آمریکا و دیگری از نظفهای خود که قبل از انتخابات اخیر آمریکا گفته بود که خاورمیانه برای امپریالیسم آمریکا مقام بسیار عظیمی را کسب خواهد نمود زیرا در هر زمان آماده اعتراض است و محمدرضا شاه به پیروی از سیاست امپریالیسم آمریکا با تمام نیرو به جلوگیری از این "انفجار" یعنی انفابکم شتافته است. بنا بر اطلاع روزنامه نیویورک تایمز دولت نیکسون بمقدور تخت از بحران اقتصادی آمریکا و کک برق کاهش موازنه پرداختهای آن کشور و تاگید نازیاری بزوی فروش اسلحه در خارج کرده است و شاه نیز با ابزار آمادگی خود برای خرید طیارها دلار اسلحه باین تاگید قورا پاسخ مثبت داد. رژیم شاه تکیه گاهی برای امپریالیستهای آمریکا - ثی و در برنامههای اسازگرانه دولت نیکسون نقش معین گرفته‌است. اقدام اخیر محمدرضا شاه برای خرید کلان اسلحه و کک بحساب غارت خلق و برای مقاصد پلیدی صورت گرفته و تحمیل و تبر - همین بزرگی به مردم ما است. فقر روز افزون اقتصادی و تیر و اختنا پلیسی و خیانتهای مکرر در سالهای اخیر در مسئله نفت و آگسون خرید کلان اسلحه بمقدور بر بند نگه داشتن و سرکوب خلق ما و خلقهای همسایه و برای پاسداری از منافع امپریالیسم در ایران و خلیج فارس و برای تحکیم سلطه رژیم سفاک پهلوی و رژیمهای ارتجاعی منطقه و پیشک بدون پاسخ نخواهد ماند و نماند. اعتراضات طبع و بحق مردم ایران علیه سیستم پلیسی و علیه رژیم پهلوی شاه با کارتهای نفتی و بخصوص علیه ورود سیل آسای سلاحهای جنگی و توسعه طلبانه از آمریکا و بصورت جنبش اعتراضی و مقاومت جویانه وسیع دانشجویان و محصلین تهران و تبریز و اهواز و سایر نقاط و اعتراضات افشارانه بحق روحانیت مشرقی و سایر نیروهای مبارز بروز کرد. مبارزات خونین دانشجویان و محصلین در بهمن و اسفند سال گذشته با طرح شعارهای بوقع و در دست در زمینه همان تشکیلات تبلیغاتی رژیم که برای توجیه و سرویس گذاردن بر زبند های خود با امپریالیسم آمریکا در پیشبرد سیاست تسلیحاتی و تبدیل ایران به پایگاهی برای استعمار علیه خلقهای خلیج و خاورمیانه صوری - گید و خلق افشارانه و آگاهاننده مهبی در میان خلق ایفا کرد. رژیم سرسبزده پهلوی هیچگاه نتوانست و نخواهد توانست اقدامات ضد ملی و خائنه‌ای را که بزود در سالهای اخیر بنظیر تحکیم و حفظ پایهای لزان ارتجاع و امپریالیسم در ایران و در منطقه می - کند و پنهان سازد. دیر نخواهد و نباید بود که خلق ما با تدارک انقلابی خود برای سرنگونی این رژیم خیانت پیشه و این اقدامات را با شکست مواجه سازد.

به پیش در جهت وحدت رزمندگان کمونیستهای ایران

یک ماهه و ...

در مضافه دستگاه محمد رضاشاهی نتوانسته است کارگران ما را که زندگی نکت بار کمونی برایشان مکه تدریجی است و از همه چیز بیگانه محرومند مقهور خود گرداند . درست دو سال پیش و پیش از ۴۰۰ تن کارگران دلیر جهان‌نیت با انتصاب و مارش اعتراضی خود برای احقاقی حقوق یامال شده خویش در برابر دستهای کاندو و پلیس و زندان‌رهای دولتی به بیگانه روی آورد و برخاستند و با دادن درها شهید از رفقای دلاور خود و بسیاری که بسیا هجالیهای محمد رضا شاه روانه شدند نشان دادند که در برابر زور و ستم سساکت نمی‌نشینند و بار دیگر با ثبات رسانیدند که حتی در خفتانی‌ترین شرایط نیز کارگران را راهی مگر مبارزه نیست . چه آنان چیزی ندا رند که از دست دهند . از آن پس اعتصابات متحدانه کارگران نفت تهران و مسجد سلیمان ، کارگران ذوب آهن اصفهان و رانندگان و کله رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ، بر این حکم شهابت دادند .

تاریخ معاصر میهن ما گواه است که مبارزه طبقه کارگر برای بهبود شرایط زندگی و نیل بمطالبات حق خویش را با جد و مدها ادواری خود همیشه ادامه داشته‌است . هیچگاه ضعف جنبش کارگری ایران در عدم تحریک و یا رضایت برده وار کارگران از شرایط موجود زندگی اجتماعی خود نبوده است . کارگران میهن ما بارها ثابت کرده‌اند که برای مبارزه در راه بهبود زندگی اجتماعی و علیه بیدادگریهای رژیم محمد رضاشاه از هر طبقه و قشر دیگری طالب ترند و هسته اصلی آن نه هیچگاه مرعوب شده و نه هیچگاه مسحور میگردد . ضعف جنبش کارگری ایران فقدان یک ستاد سیاسی رهبری مکنده این جنبش و یعنی نبود حزب طبقه کارگر است . طبقه کارگر ایران با دین حزب‌خود از لحاظ سیاسی هیچ است و حال آنکه با حزب‌خواهد توانست همه چیز را بدست آورد . این موضوعی است که باید هر عنصر آگاه و پیشرو کارگری و هر انقلابی پیشرویی بدان توجه جدی کند .

طبقه کارگر ایران در بدین شرایط زور و اختناق و هرگاه دارای سازمان سیاسی شایسته و کردار پیشگامی بوده است نه توانست بهترین تقش‌ها را در مبارزات اجتماعی و سیاسی مردم ایفا کند . طبقه کارگر ایران در دوران حزب کمونیست ایران یکی از عوامل مهم نهضت آزادخواهی و دمکراسی و استقلال طلبی بوده است . این طبقه بود که رهبری جنبش پیش از هر گروه اجتماعی دیگر در برابر موج سرکوب و ترور و خبیثانه رضاشاهی مقاومت کرد و برچم مبارزه علیه دیکتاتوری رضاشاه را تا برزند انبیا و سیاهچالیهای قرون وسطائی رضاشاه بر دوش خود حمل نمود . این طبقه بود که بعد از شهریور ۱۳۲۰ در پیشانی و جلوتر از هر طبقه و نیروی اجتماعی دیگر با یصحنه مبارزات اجتماعی و سیاسی گذارد و علیه فاشیسم بین‌المللی و برای دمکراسی و آزادی و به نبردهای بزرگی دست زد . طبقه کارگر ایران بشابه عملا بزرگترین نیروی سیاسی آن دوران و بمانند پشتوانه اصلی نهضت توده‌های یاشگرو بزرگترین تلاش‌های اجتماعی و سیاسی خلقهای ما در مبارزات عظیم سالهای جنگ دوم و سالهای پرشور جنبش ملی کردن صنعت نفت بوده است . تا ریح ما هیچگاه مبارزه متحدانه و بیگانه‌میانه صدهزارتن کارگران بنا طوق نفت خیز جنوب را در عینطور و در سالهای مبارزات پرشکو خلق را فراموش نخواهد کرد . همینطور که در سالهای مبارزات پرشکو خلق ما برای ملی کردن صنعت نفت و بیگانه قاطعانه کارگران نفت خوزستان علیه شرکت انگلیسی نفت و امپریالیسم انگلیس نقش مهمی را در تسریع امر خلق‌ید آنان از منابع نفتی ما ایفا کرد . بالاخره طبقه کارگر ایران در تمام دوران رژیم کرد تا بیگانه سساکت ننشسته و با آنکه از هر گونه سازمان سیاسی و اتحادیه‌ای محروم گشت باز ادامه مبارزه تاریخی خود را در عینانها ، اعتصابات و مارشهای اعتراضی بزرگی جلوگرو ساخت . کارگران گورمیزخانه‌های تهران در دوران پرشور و اختناق کرد تا پیش از پنج بار برای بهبود شرایط زندگی خویش بمقاومت جانانه در برابر اعمال امنیتی و نیروهای نظامی رژیم دست زدند و شهیدای بسیار دادند . همین کارگران هسته اصلی توده‌های عصیانگر و پخردان بودند . در دهساله اخیر با وجود تشدید سیاست ترور و اذغاب رژیم از یکطرف و سیاست ترور و ترسک اوارطرف دیگر ، کارگران ما بارها با انتصابات دسته جمعی و مارشهای اعتراضی دست زدند . سیزده هزار تن کارگران نفت در همین ماهم انتصاب کردند . کارگران کارخانه‌های پارچه بافی تهران و اصفهان کارگران کارخانه‌های مونتوا ، کارگران کارخانه‌ها و مؤسسات مختلف تهران ، تبریز ، گیلان ، اهواز و غیره بارها مبارزه اعتصابی برخاستند و در راه تحقق خواسته‌های محقانه خویش چه بسیار شهید و زندانی دادند .

هیچ طبقه‌ای بیش از طبقه کارگر طالب آزادی و مبارزه فعا لانه برای کسب حقوق اجتماعی و سیاسی خود نیست . کارگران به شهادت تاریخ نبره‌های پرشکو خود ثابت کرده‌اند که مؤثر و رهبری کننده انقلابند . بر کارگران پیشرو و آگاه و روشنگران پولتر و

کمونیست است که با جهاد برای ایجاد حزب این طبقه و تمام نیروی شکرهای این طبقه را برای پیشبرد و تعیین حرکت انقلابی مردم مسلا شوکان کند .

بعلاوه طبقه کارگر ایران در راه کسب آزادی و دمکراسی و استقلال ملی ، بمانند پیش‌شرط مبارزه خویش برای سوسیالیسم و باید با بزرگترین توده ستم‌یده جامعه ما یعنی ما توده دهقانان متحد شود . در مبارزه علیه امپریالیسم و فئودالیسم و سلطنت پهلوی مسئله دهقانی مسئله برخاستن دهقانان ایران برای دگرگونی مناسبات طبقاتی در روستا و برای درهم کوبیدن سلطه بورژوازیست . فئودالی و استعماری در دهات ایران ، گره اصلی را تشکیل میدهد . تقش بزرگی را که طبقه کارگر ایران همیشه در تاریخ نهضت‌های بخش خلقهای ایران ایفا کرده است در گرو تشکل سیاسی و مبارزه متحدانه و منطقی او بوده است . حال آنکه تاریخ ما در عین حال آموخته است که پیروزی این نهضت و نقش قاطع رهبری کننده این طبقه در گرو اتحاد با جنبش دهقانی است . بنابراین وظیفه کارگران پیشرو و آگاه و رهبران نهضت کمونیستی است که برای بردن آگاهی سیاسی بدهات و سازمان دادن مبارزات اقتصادی و اتحادی یادی و سیاسی دهقانان بکوشند و بدیشان تدارک آن نبرد تار و پسی را که حکومت ، م ساله سلاطین پهلوی و سلطه امپریالیسم را درهم خواهد کوفت ، براساس درستی قرار دهند .

یک ماهه بمانند موقعیتی برای تجدید میمان برای پیشبرد و پیروزی در این امر رهائی بخش طبقه کارگر و تمام رهبران کسبونی نهضت کمونیستی را فرامیخواند که با بردن ایدئولوژی پرولتری و فعالیت‌های سیاسی و سازمانی خود بدرون جنبش کارگری و جنبش متحد ساخته شیروان این جنبش بورژوازی پیش‌گفته پاسخ گفته و در راه متحد ساختن مردم و سازمان دادن مبارزات آنان و بخصوص مبارزات دهقانان ایران و حزب طبقه کارگر ایران را بنا نهند .

سفر هویدا ...

اقتصادی زمان و موقعیت دولتهای وابسته با آنها اختلافی و یا تارکة حوقی بر سر آنرا پیش آورده‌اند و در میان همیشه نگرش شامل حال استعمار و مترجمین و ژنرال کار شامل حال مردم افغانستان یا مردم سیستان و یا هر دو بوده است . برای مردم ما و خلق افغان روشن است که حل واقعی مسئله آب هیرمند توسط دولتهای مترجم که هریک بازیچه سیاستهای امپریالیستی هستند ممکن نبوده و بلکه فقط توسط خلقهای آزاد شده دو کشور امکان خواهد داشت .

ولی مسئله باین جا ختم نمیشود و اصلا مسئله این نیست . این ظاهر موضوع سفر آقای هویدا است . توجه آنست که سریش مسئله اصلی است . چگونه شد هویدا که بخاطر مذاکره و حل مسئله آب هیرمند با افغانستان رفته بود . در نطق خود برای صدراعظم افغانستان " به تشریح سیاست خارجی ایران پرداخت " و " برای حفظ صلح در شبه قاره هند ، خواستار اجرای تصمیمات سازمان ملل متحد و نیز رعایت مفاد قرارداد زنو در مورد اعاده اسیران جنگی شد " . چه موضوع دانست که شقیق ، صدراعظم افغانستان در نطق خود متذکر گوئی خود " به تشریح سیاست افغانستان در مسائل جهان نی ، بخصوص در مسئله پشتونستان و ارتباط با پاکستان پرداخت " . این مسائل و آب هیرمند ؟ !

دولت ایران بنا بر ماهیت ارتجاعی و ضد ملی اتن و ترس از اعتراض و انتقام خلق حقیقت موضوع را در برابر خلق گمان میکند و زودبندها و توطئه‌های خویش را در زیر لایهای از تبلیغات راجع بمسائل انحرافی دیگری پنهان میسازد . حقیقت آنست که ازما هجا قبل از سفر یادوری شاه و هویدا ، با افغانستان مذاکرات توطئه آمیزی تحت نام ظاهر فربح حل مسئله تقسیم آب هیرمند ولی دراصل و موضوع برای زودبند علیه مبارزات خلقهای ایران و افغانستان و هماهنگ کردن سیاستهای خائنانه‌شان در منطقه ، میان دولتهای این دو کشور جریان داشته است . سفر هویدا بدینال این مذاکرات و در حقیقت برای رسیدن بیک نوع توافقاتی صورت گرفت . دولت ایران به پیروی از شیوات امپریالیسم آمریکا و بمقتور اجرای تقش زاندری و رئیس دزدان منطقه ، در صد آنست که دولتی افغانستان را تماما وارد ائتلافات ارتجاعی خویش در منطقه کند ، و آنرا در چهارچوب رقابتهای استعماری حدت یافته در بحرمان و اقیانوس هند بهواداری از سرسپردگی خویش جلب نماید . منظور از سخنان هویدا در برابر صدراعظم افغانستان درباره " حفظ صلح در شبه قاره هند " و اینکه " خواستار اجرای تصمیمات سازمان ملل متحد و نیز رعایت مفاد قرارداد زنو در مورد اعاده اسیران جنگی " شده است ، جز حفظ صلح امپریالیستی و حراست از منافع امپریالیسم آمریکا در آن خطه و نیز ابراز موضعگیری آمریکائی ایران راجع به جریان اختلافات هند و پاکستان تحت عنوان " اعاده اسیران جنگی " پاکستانی در هند و چیز دیگری نیست . دولت ارتجاعی محمد ظاهر شاه به ملت برخی وابستگی‌های شدیدش به سوسیال - امپریالیسم شوروی و سوذجوشی از جریانات اخیر پشتونستان پاکستان که بسا

توطئه علیه ...

در عوض بمقاومت در مقابل تجاوزات اسرائیل ، به حملات خود بر علیه کساندهای فلسطینی دست زده و به بهاران مواضع وزمندان کسان فلسطینی پرداخت . در اثر حملات ارتش لبنان بدینان فلسطینی ، ستاد امور نظامی سازمان رهاایش فلسطین در اطلاعیه خود اظهار نمود " اعلام کرده است که تمام نیروهای ارتش رهاایش فلسطین برای پشتیبانی از نیروهای مقاومت و اهالی بحالت آمادگی‌اند ، از طرف دیگر ، تمام نیروهای انقلاب در سوریه نیز بناننده که بحالت آمادگی‌اند ، مقاومت از ترس در فاع از خود شدید نیروی های انقلاب و ارتش مخالفت مردم لبنان و خلقهای غرب در الجزایر ، سوریه ، مصر و غیره که بخصوص با علیات نیروی اخیر اسرائیل ، بستم آمده بودند و ادعایین حملات خود بند دولت لبنان تمام میبندند .

مخبر بحقت نشینی و قبول آتش‌سوزی کردید . " ما با ناخست و تاز ناشایستی امان در بیروت جریان کار را شروع کرده ایم ، حال نوبت مقامات لبنانی است که کار را بناتمام رسانند . " (لوبونت - ۱۱۷۲۳) این گفته یکی از فزین سیاسی صهیونیست است . پس از واقعه ترور سه تن از رهبران جنبش فلسطین ، سبهاران ارتش در کاههای فلسطینی در جنوب لبنان و حملات ارتش لبنان به پارک تیزانهای فلسطینی ، که بدینال ترور ستن از رهبران جنبش فلسطین توسط صهیونیستها صورت گرفته بود ، در واقع برای " بناتمام رساندن آن " جریان کار بود . بدینسان ، تقسیم کاری ، حداقل بطور ضمنی ، میان صهیونیستهای اسرائیلی و مترجمین لبنان صورت گرفته‌است : تقسیم کاری برای درنگ کردن اردن سازمانهای فلسطینی و در آخر نابودی کامل آنها .

سالمها تلاش و حملات سبعمانه دولت صهیونیست اسرائیل بمسردم فلسطین بقصد آنکه آنانرا از کوشش برای بازستاندن سرزمین اشغال شده خود محروم سازد ، چون رسیدن به آتش‌سوزی اخته این مبارزه بود که آنرا هر دم شعلهورتر میساخت . آنچه را که دولت اسرائیل از دول ارتجاعی عرب نظیر دولت لبنان طلب میکند شرکت مستقیم آنها در حین جنبش فلسطین و تکرار ستاد رهرویی ۱۹۷۰ دولت مترجم حسین است ، تا بدین ترتیب مردم فلسطین را از هرگونه پایگاهی برای مبارزاتشان بویسته اسرائیل محروم نماید . این حق مسلم مردم فلسطین است که برای بازستاندن سرزمین مادری خود از خاک کشورهای غریب مجار اسرائیل استفاده کنند .

دولتهای مترجم عربی نظیر اردن و لبنان همواره سیاست عقب نشینی و یا سازشگری با دولت اسرائیل را پیشه کرده اند و بدین ترتیب دولت اسرائیل را در دستیابی بمقاصدش یاری رسانده‌اند . جبوتی و ترس و تسلیم طلبی آنان در مقابل اسرائیل از یکطرف و ما - هیت ضد توده ایشان از جانب دیگر دست دولت صهیونیستی اسرائیل را در تجاوز و هرگونه بی حرمتی بمردم عرب بازگذاشته است . دولت اسرائیل با استفاده از چنین موقعیتی است که حتی بصورت دستورالعمل برای دولت لبنان دست میزند و با بی شرمی تمام اجرای بقیه کار را بدولت لبنان وامیگذارد .

لیکن نه تلاش فاشیستی صهیونیستی اسرائیل و توطئه مردم جمعیتی چون حسین و لبنان قادر بمسکوب جنبش مردم فلسطین خواهد بود و توده توطئه‌ها و زودبندهای دشمنان بین‌المللی خلق فلسطین نظیر ابداع طرح راجز قادر به احما ، جنبش خلق طلبانه مردم فلسطین تواند بود . جنبش رهاایش خلق فلسطین علیرغم تمام کوششهای غیاب و زودبندهای پشت پرده مترجمین محلی و بین‌المللی تا پیروزی نهایی مبارزات خود ادامه خواهند داد و تمام بقیه در صفحه ۴

پشتونستان افغانستان هم ملیت هستند ، ناپایانی در پشتیبانی از جریانات تجزیه طلبانه‌ای که توسط سوسیال - امپریالیسم شوروی و دولت ارتجاعی هند دامن زده میشود ، ابراز داشته است . بدین علت است که آقای شقیق ، صدراعظم افغانستان ، نیز " در مسأله پشتونستان و ارتباط با پاکستان " داد سخن میدهد . ما در شما - رهای قبلی کمونیست تا حد روشن کننده‌ای به بررسی واقعی که در منطقه خلیج و بحرمان و شبه قاره هند و پاکستان جریان دارد ، بر - اختتام و رقابتهای درون استعمارگران - مشخصا آمریکا و شو - روی - و نیز توطئه جیبی و زودبندهای امپریالیستها و مترجمین را علیه مبارزه خلقهای خاورمیانه افشا کرده‌ایم ، و اینچا نیاز به تکرار نیست . سفر هویدا و توافقات گمان شده میان دولتین ایران و افغان ستان و مذاکراتی که هنوز نام میان نمایندگان این دو دولست دست نشانده و سبید جریان دارد ، در حقیقت جزئی از جریان توطئه جیبی‌های شوم و دسته بندی‌های ضد انقلاب نطقی است ، بخشی از این توافقات قبلی بوده است که سازمان امنیت شاه در شهرهای افغانستان آزادی فعالیت میکند ، میان دولتین برای تحو یل و حتی نابودی مبارزین ایرانی و افغانی زودبند صورت بگیرد . شک نیست مبارزه و اتحاد انقلابی خلقهای برادر افغانستان و ایران سرانجام به حیات حکام ارتجاعی و سرسپرده این دو کشور خاتمه داده و زودبندهای میان مترجمین را بی نتیجه خواهند گذارد .

دیناره شعار

مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک

حزب سوسیال دموکراتیک

آزادیهای دموکراتیک از خواستههای دیرینه مردم ایران است زیرا هیچ یک از طبقات خلق در فقدان این آزادیها قادر به بهبود وضع سرکوفته خود و تأمین منافع خویش نیستند. در یک جامعه آزاد دموکراتیک و مستقل است که امکانات و شرایط لازمه برای رشد اقتصاد ملی و شکوفایی زندگی اجتماعی و فرهنگی بوجود میاید. طبقه کارگر برای گسترش مبارزه طبقاتی خود و استقرار دیکتاتورئی پرولتاریا بیش از همه نیازمند آزادیهای دموکراتیک است. واضح است مطالبه آزادیهای دموکراتیک و نبرد برای دموکراسی در ایران جدا از نبرد برای استقلال کشور و آزاد ساختن میهن از یوغ استعمار و امپریالیسم نامفهوم و بی شر است.

رفرمیسم بورژوازی آزادیهای دموکراتیک را از حکومت مطلقه مطالبه میکند و در ایران برای رسیدن به خواست خود دست بدامن مستبدین و مقام سلطنت میبندد. او دموکراسی را در چهارچوب امکانات حکومت طبقات حاکم که بنحو موناکرفاشیستی اعمال میشود میجوید و نه در برای آن. در حقیقت، خواست رفرمیستهای بورژوازی بیشتر از شرکت داشتن در حکومت کوبنی و تقسیم منافع نیست. منطقی مطالبات آنها از امپریالیسم نیز در همین حد است. آنان مبارزه ملی را از حکومت فعلی انتظار داشته و مردم را نیز تا حد مطالبه قوانین دموکراتیک از رژیم کوبنی و در چهارچوب امکانات متصوره در آن و صرفا بر اساس یک حرکت سالمات جویانه، بدنیال خود میکنند و حرکت خلق را فقط تا این حد قبول دارند و بیش از آن مخالفت و شدت میبرازند. حال آنکه، مبارزه طبقه کارگر و تودههای مردم برای دموکراسی و مبارزه برای سرنگونی رژیم طبقات ضد دموکراتیک و ضد ملی است. آنان استقرار دموکراسی را در شرایط فقدان سوب جودیت حکومت مطلقه و شام ظاهر آن میبینند. مطالبات ناگهنگی آنان از حکومت فعلی، ضربه زدن به راه گاه عقب نشاندن رژیم فاشیست جنگ و گریزها نیست برای نبرد قطعی. نبردی که آنان را خواه ناخواه با مجموعه سیستم حاضر روبرو میسازد. طبقه کارگر بدینسان مزیندی روشنی یا رفرمیسم بورژوازی دارد. تازه آنکه، طبقه کارگر نه تنها نبرد اصلی و هدف دموکراتیکش مطالبه آزادیهای دموکراتیک اعمال استبداد نیست بلکه در مبارزه برای سرنگونی رژیم بر بورژوازی اصلاح طلب بلکه بر دهقانان و خرده بورژوازی رادیکال تکیه کرده و بر این مبنا فرمایشات و خاک سایانه رفرمیستهای نوین میشود. موضع رفرمیستهای در حقیقت منطبق با موضع رفرمیسم بورژوازی است. آنان مانند بورژوازی رفرمیستها اینگونه ترویج میکنند که انگار رژیم در حفظ استبداد تعصب خاصی دارد. و فقط باید " این جهت تریون وسطای را در سیاست رژیم افشاء کرد " ( مردم - شماره ۱۰ ) و نه اینکه رژیم در جمیع جهات و تا بجز استخوان ضد دموکراتیک است و این از ماهیت و ذات طبقاتی و موضع اجتماعی آن ناشی می شود. در این مبارزه فرمایشات و خاک سایانه رفرمیستهای مانند رفرمیستهای بورژوازی فقط با فکر عمومی و کمک از دنیای دموکرات ( البته بنابر دید خودشان ) دبسته اند و قصد دارند " با مبارزه و با ایجاد فشار نیرومند افکار عمومی در جهان و ایران زمینه را برای پیشبرد آتی شعار دیکراسی هوارتر و آماده تر " کنند ( همانجا ) . گفت " مبارزه " در عبارت فوق آن اشکالی است که برای یک رفرمیست بورژوازی متصور میباید. آنان البته بصورت عام و کلی و ابراز میارند که " مبارزه در راه دیکراسی می تواند بصورت اشکال مختلف درآید. ولی هر وقت این " صورت و اشکال مختلف " را می شمارند و بعد از آن جمله " فقط بدین جهت می کنند که باید " از همه رسائل علمی و قانونی و از گبه سازمانهای اجتماعی و انتخابی موجود ... استفاده کرد " ( همانجا ) .

مارکسیست - لنینیستها این موضع رفرمیستی و اپورتونیستی رفرمیستهای را در میان کارگران و در میان خلق افشاء میکنند. آنان به طبقه کارگر و خلق میآورند که تنها با سرنگونی حکومت استبدادی کوبنی و برجیدن قهری موناکرفاشیسم دردم کوبیدن زمینهای آن و دولتی که محافظ این وضع است، میتوان به دموکراسی دست یافت. آنان این پرورش نگری را بتودهها میدهند که حکومت دموکراتیک نقطه مقابل و متضاد حکومت استبدادی و سلطنتی کوبنی است و در چهارچوب حکومت فعلی و یا از طریق آن و آن مقصود غیرقابل تصور است که جنگ گریزهای فعلی و دادن و گرفتارهای موضعی در نبردهای اینجا و آنجا فقط درسمای برای تمرین و آماده دگی، شناخت و صف آرایی و موضعگرفتن است تا آنکه نبرد قطعی برای محو سیستم و دولت موجود و استقرار دموکراسی بیانجامد. و اینکه طبقه کارگر از عقب نشینیهای موقتی رژیم و آزادی عملیاتی که در اینجا و آنجا و در این یا آن زمان بدست میاید برای سرنگونی قهری حکومت طبقات ضد ملی سود خواهد جست و مردم را بدین مقصود بسیج خواهد کرد. شعار مارکسیست - لنینیستها در برابر رفرمیستهای و شعار طبقه کارگر و تودههای مردم در برابر بورژوازی

رفرمیست " شعار " مطالبه آزادیهای دموکراتیک " در چهارچوب حکومت کوبنی نیست بلکه سرنگونی هرچه زودتر حکومت مطلقه و ضد ملی کوبنی است. در این جریان و رهبری پرولتری نبرد و استقرار دموکراسی نوین را بعنوان یگانه آلترناتیو در مقابل حکومت فعلی تضمین میکند و بنابراین نه تنها بورژوازی را از مشارکت با طبقات حاکم فعلی هشدار میدهند بلکه از حکومت دیکتاتوری صرفا طبقه او نیز جلوگیری بعمل میآورند.

ولی رفرمیستهای حزب توده گاه مدعیند که آنان نیز خود اهان برجیدن حکومت فعلی هستند و هدف آنان نیز جز انقلاب چیز دیگری نیست. منتها و معروض میدارند که این امر جنبه فزوری و مرم ندارد. آنان میگویند که ما هم خواهان انقلاب هستیم، منتها این یک هدف نهائی است و مرم نیست. فعلا باید تودهها بدور شعار رفرمیستی " آزادیهای دموکراتیک " جمع شوند و از لزوم براندستن حکومت نیاید سخن گفت و بعد هرگاه موقع انقلاب سررسید، باصلاح شرایط عینی در جامعه فراهم گشت، ما آنان را مطلع خود اهییم ساخت. اتفاقا و این درست همان اپورتونیسم فزیکارانه خرد - ات رفرمیست و اختلاف مارکسیست - لنینیستها با آنهاست. این از همان نوع عوامفریبیهای قدیمی رهبران حزب توده و همان برداشته و طرز کار اپورتونیستی ای است که این رهبران در گذشته بکار بردند و جنبش پرولتری و تودههای ما را به کجراه کشیدند. سرنگونی استبداد و برجیدن بساط دیکتاتوری ملاکان و بورژوازی کیمرادوره همانا نیاز فوری و مرم جامعه ماست و بدور این خواست است که میباید خلق را پروریش داد و آماده نمود. پروریش و آماده ساختن خلق برای پاسخگویی باین نیاز و اثبات و تبلیغ لزوم اینکار در پیشگاه تودهها و تدارک عملی و سازمانی بدین مقصود - اینست آنچه وظیفه اصلی و مرم انقلابیون را تشکیل میدهد. خط اصلی کار را در میان تودهها فعالیت آید تئوریک و سیاسی و سازمانی برای انجام مبارزات رفرمیستی گذاشتن یک چیز و تودهها را از لحاظ آید تئوریک و سیاسی و سازمانی برای انقلاب آماده کردن چیز دیگری است. تودههای که مبارزات خود را محدود به امکانات باصلاح قانونی کردند و در میان آنان فقط به تبلیغ اینکه رژیم را میتوان با " فشار نیرومند افکار عمومی " و قانداست همچنین وساطت " رهبران " به عقب نشینی وادار نمود و بدینسان آنها دموکراتیزه کرد و هیچگاه قادر نخواهند بود در آن روز موفقی که رفرمیستهای قول انقلاب را میدهند، برای براندستن حکومت ارتجاع و استقرار حکومت انقلابی خویش برخیزند. آنان در آن روز هم طعمه اپورتونیسم " رهبران " اصلاح طلب و " قانونی " خود خواهند گشت و در برابر ضربات ساس گهائی ارتجاع بلادفاع و بدون آمادگی آید تئوریک و بدون ابزارهای سازمانی که در طی یک پروسه طولانی ساخته و آبدیده شده باشند خواهند بود.

ولی رفرمیستهای با رفرمیستهای بورژوازی فرق دارند. آنان فقط مطالبات رفرمیسم بورژوازی را مطرح نمیکنند. بلکه آنان این مطالبات را در زیر لوای سوسیالیسم مطرح میسازند و به کارگران و تودههای خلق اینگونه جلوه میدهند که این نظرات و نظرات مارکسیست - لنینیستهاست. آنان در نزد خلق سوسیالیسم را تحریف میکنند و با کوشش برای گد کردن ذهن طبقه کارگر، خط فاصل میان رفرمیسم بورژوازی و دموکراتیسم انقلابی خرد بورژوازی رادیکال و دهقانان را مخدوش میسازند و بدینسان، پرولتاریای ایران را از تکیه گاه اصلی در روز میسازند. آنان فقط بلندگوی بورژوازی رفرومیست هستند. آنان در زیر قهای نابرابر و خود و پرولتاریا را بدنبالچه این بورژوازی مدلل میسازند. زیرا میگویند خط فاصل میان شعارها و خواستههای رفرمیسم بورژوازی و پرولتاریا را مخدوش ساخته و پرولتاریا و تودههای هم آواز او را در مکتب خانه بورژوازی پرورش دهند. بدینسان و بجای آنکه پرولتاریا بورژوازی را رادیکال کند، بورژوازی به رفرمیست کردن پرولتاریا توفیق مییابد. تلاش در جهت تأمین و یا تحکیم رهبری بورژوازی در جنبش کارگری و در جهت فاتح ساختن پرولتاریا به مطالبات رفرمیستی بورژوازی لیبراله در جهت تبدیل جنبش کارگری و جنبش تودههای خلق به بانجغای در دست بورژوازی رفرمیستی و بورژوازی ای که هم داتما فریب ارتجاع را میخورد و هم با تحمیب سیستم ارتجاعی موجود به فریب تودهها میردازد و فرصت طلبی و مسالمت جو است - اینست آنچه ضمون اپورتونیسم راست و رفرمیسم را تشکیل میدهد. ضمون شعار ظاهر فریب " مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک " که بمتابه آلترناتیو در برابر پرورش انقلابی طبقه کارگر و تودههای مردم و تدارک سیاسی و سات زمانی برای سرنگونی حکومت ضد دموکراتیک و ضد ملی ایران از جانب حزب توده مطرح میشود و جز آن نیست و نتواند بود.

توطئه علیه ...

دشمنانرا که موقتا در لباس دوستی پنهان شده اند رسوا خواهند ساخت. دشمن شماره یک خلق فلسطین، امپریالیسم آمریکا و هنوز هم در پی یافتن " راه حلی " برای مسئله فلسطین است. تاخیر از دست جینر رهاییشدن فلسطین خلاصی یابد و هم موجودیت اسرائیل را برسمت درآورد. امپریالیسم آمریکا برای یافتن " راه حل " دلخواه خود بارش را نیز یافته است. " سوسیال - امپریالیست های شوروی در خیانت بناحق خلق فلسطین آشکارا با امپریالیسم آمریکا بزرگ شدند. سیردازند. طرح مشترک آمریکا - شوروی بنام " پیمانها " صلح راجرز، خیانت آشکاری بود برای خاموش کردن اندین شعله انقلاب فلسطین.

اترنا - وسیع و خشم و نفرت توده های غرب مبت محکمی بود بردهان طراحان آن که سعی در تحمیل آن داشتند. شرایط کوبنی این منطقه پس از جنگ ۱۹۴۷ نتیجه مستقیم سیاست درویوانه و زرد پند های پشت پرده رفرمیستهای شوروی است که تنها آب باسیاب خودشان میبریزد. ادامه این سیاست که همان خدق موقتیت " نه جنگ و نه صلح " است، رجز به تقویت اسرائیل و اجرائ مقاصد تجاوزگرایانه آنها منافع مردم فلسطین و عرب نخواهد انجامید. سوسیال - امپریالیستهای شوروی تحت پوشش " سوسیالیسم " همانند غارتگران روزل استعمار و امپریالیسم بجهت جنبشهای رعاغیخشن خلقها، بخصوص خلق فلسطین، از پشت خنجر میزنند. ایشان که بپشت از " قیامت سلامت آمیز " خود با امپریالیسم آمریکا، در سرکوب جنبشهای رعاغیخشن و خیانت بداتان از سرکرده امیر - یالینتها سبقت میجویند، و بدخواست اسرائیل که برای حفظ مناطق اشغال شده پس از جنگ ۱۹۴۷، احتیاج به مهاجرین بیود دارند، در زمانیکه این مهاجران از مناطق دیگر دنیا نقصان یافته است و طی موافقت پشت پرده با امپریالیسم آمریکا، مهاجرت یهودیان روسیه را با اسرائیل تسهیل میکند. بدینسان، برای اسرائیل صهیونیستی، کارشمار و مخفیخبر و سران تهیه مینند.

پس از عملیات تروریستی اخیر اسرائیل نماینده شوروی در سازمان ملل متحد گفت: " در مسامحت بین المللی نباید به زیر توسل جست " این هم " دفاع " رفرمیستهایست از جنبش فلسطین که در حقیقت آب باسیاب صهیونیستها میبریزد. چه اسرائیل نیز بخاطر و در مبارزه مسلحانه عادلانه خلق فلسطین تحت همین عنوان اعمال خود را توجیه میکند. رفرمیستهای شوروی در حقیقت میگویند که خلق فلسطین حق ندارد در برابر تجاوزات اسرائیل زور بکار برند. این تلاشی است در خلخ سلاح خلق فلسطین و در نتیجه امحاء انقلاب او. لیکن طایفه دشمنان متعدد ی که در تکیه بوی نابودی جنبش فلسطین هستند، خلق فلسطین طی مبارزات چندین ساله خسوند، هر زمان آبدیده تر و هشوارتر، علم مبارزه و بر علیه دولت اسرائیل این زائده کتیف امپریالیستی را، افزاشته تر میسازد و از شکست و پیروزی نبرد و با پیرزدن نقاب " دوستی " از چهره های کتیف دشمنان خلقی و بین المللی خود، تجربیاتی برارزش توشه راه پیروزمند آبدیده میسازد. این وظیفه کتیه آزاد یخواهان و مبارزین ضد امپریالیست و بجهت مرم سازمانهای شرقی مردم ایران که همواره همنسنگی عمیق خرد را با جنبش خلق طلبانه مردم فلسطین اعلام داشته اند است که در جنبشهای از مبارزات بحق خلق فلسطین و افشای اسرائیل، و توطئه های خائنانه بناحق جنبش فلسطین بگوشند.

گشودره تر حد همنسنگی مبارزات مردم ایران و جنبش انقلابی خلق فلسطین

وظیفه مرم جوانان روشنفکر و دانشجویان

جوانان روشنفکر و دانشجوی چین باید میان تودههای کارگران و دهقانان که نود درصد جمعیت کل کشور را تشکیل میدهند، بپرود و آنها را بسیج و متشکل سازند. بدین این نیروی عده - کارگران و دهقانان - و تنها با انکاء به ارتش جوانان روشنفکر و دانشجو نمیتوان در بیکار علیه امپریالیسم و فئودالیسم پیروز گشت. از اینرو جوانان روشنفکر و دانشجوی سراسر کشور باید با تودههای وسیع کارگران و دهقانان درآمیزند و با آنها یکی شوند و فقط آنگاه است که ارتشی قدرتمند میتواند تشکیل شود و ارتشی چند صد میلیونی! تنها با چنین ارتش عظیمی است که میتوان مواضع مستحکم دشمن را گرفت و آخرین تودههای وی را درهم شکست.

- ماؤ تسه دون

آدرس ما : B. B. C. P. O. BOX 268 2700 BRONSHOJ DENMARK

سرنگون باد رژیم پهلوی، رژیم ملاکان و دلان امپریالیسم